

معبد زور یا زون در زمین داور

این معبدیکه از بقایای دوره قبل از اسلام و کیش آفتاب پرستی بود حین غلبه اسلام در قرن اول اسلامی از بین رفت.

درین باره شرحی در کتاب افغانستان بعد از اسلام (طبع کابل ۱۳۴۵ ش) از صفحه ۱۱ تا ۱۵ نوشته ام ولی در آنوقت موقعیت حقیقی این معبد معلوم نبود و چون در کتاب تاریخ اصل نامها مسخ شده داو و زور و غیره طبع کرده اند بنا برین معلومات ذیل را ضمیمه آن حصه کتاب می سازم تا مبحث مذکور به نتیجه قطعی برسد. در الکامل طبع بریل ۱۸۶۹ م (ج ۳ ص ۱۲۹) نیز داور و زور را بغلط (بلد الداون و جبل الزور) طبع کرده اند که در نسخ خطی جبل الروذ - الرور - الرود هم بوده و همه آن از غلط نویسی کاتبان نشئت کرده است. شکل صحیح این هر دو کلمه از روی واقعیت امروزی بخوبی تشخیص شده می تواند بدین معنی که اکنون این سرزمین غربی صحرای هلمند را که متصل به کوهسار جنوب غور است (زمین داور) گوئیم که آثار بلاد آبادیهای کهن در آن فراوان نمایان است و زراعت از آب دریاها و کاریزهاست که در آن وادی زیبا اقوال علیزی افغانان پشتو زبان سکنی دارند و مرکز اداری آن اکنون موسی کلاست که در جنوب آن بفاصله دو سه میل جایی بنام ده زور علیا و سفلی موجود است و همدرین جا آثار مخروب اینه کهن نمایان است که آنرا مردم (کافر قلعه) گویند.

پس از روی همین تسمیه و موقعیت باوثوق نزدیک بیقین گفته بتوانیم که شکل صحیح هر دو کلمه داور و زور است که باید بقایای این معبد کهن سال را با حفریات علمی باستان شناسی کشف کرد. اما درباره املاهای زون هم میتوان گفت کیه تصحیف کاتبان نیست زیرا شکل سوناگیر آن در نوشته های هیون تسنگ نمایان است.

سون = زرن به ماده Sun انگلیسی میانه نزدیکی دارد. که معنی آن آفتابست و در انگلوساکسن Sunne بود که قرابتی با Sonni جرمنی دارد و در السنه آریایی قدیم هندو اروپا ریشه آن در Su-en-San-en بنظر می آید (۱) که در سنسکریت Sura بمعنی آفتاب و شخص هوشیار و دانشمند = سوری بوده و سوریا Surya به معنی آفتاب یا رب النوع شمس است که در ریگویدا و اوستا نیز ریشه قدیم دارد و سور در بها شامیانه مجسمه خدا یا بت یا آفتاب بود (۲) که در متالوژی هندو اسمای اعلام و اماکن هند ریشه عمیقی دارد و علاوه بر معنی آفتاب گاهی مفهوم پهلوان نیز ازان مراد می باشد (۳). که در اوستا هم سوره معنی قوی و توانا داشت (۴).

بدینطور اشکال زور و سور و سون و زون همه سوابق تاریخی دارد و آنچه در گزارش هیون تسنگ و تواریخ عرب ضبط شده (زور - زون) هر دو صحیح است و نامهای قبیله زوری و سوری هم بیک ریشه میگردد. منتهی املاهای داون و زوز در الکامل تصحیف صریح است که طابع هم آنرا تصحیح نه کرده است. هیون تسنگ دوبار این معبد معروف را ذکر کرده یکی در سال ۶۳۰ م هنگامیکه از کاپیسا به هند میرفت گوید بفاصله ۷۰ الی = (تخمیناً ۲۳ میل) در جنوب کاپیسا کوه او - لو نو O-LO-NO (ارونا = Aruna) دارای مغاره ها و تیغه ها و پرتگاههای مهیب است و نخستین بار (سونا) روح آسمانی از فاصله دور بدینجا آمده ولی بعداً به کوه بلند سوناگیر (تسو - نا - هیلو) به سرزمین (تسو کو = چا) یعنی زابلستان رفت (۵).

بعد ازین در حین بازگشت از هند ماه جون ۶۴۴ م = ۲۴ هـ می نویسد: روح دیوا از کوه ارونا واقع کاپیسا به تسو - کو - چا Tsu-ku-cha (زابل) آمده در ناحیتهای جنوبی آن در کوه سوناگیر اقامت نمود. تمام مردم آنرا

پرستشی کنند و هر سال شهزاده گان اشراف و مردم دور و نزدیک در جشن آن فراهم آیند و طلا و نقره و دیگر اجناس گرانبها را با گوسفند و اسب و دیگر حیوانات اهلی فراوان تقدیم دارند که احدی راجرئت تصاحب و طمع در آن اموال نباشد(۶).

هیون تسنگ وسعت تسو - کو - چا را در حدود هفت هزار لی (تقریباً دونیم هزار میل) می نویسد که پایتخت آن هو - سی - نه (غزنه) شهر دیگر معروف آن هو - سا - له (هزاره) است و از بیان جغرافیون و مؤرخین دوره اسلامی نیز پدیدار است که نهایت جنوبی زابل تا کرانهای هلمند و سیستان میرسید. پس معبد سوناگیر باید در سرزمین های جنوبی زابلستان یعنی کرانهای هلمند باشد.

در اوایل عصر اسلامی که این معبد هنوز هم موجود بود. فاتحان اسلامی آنرا در (زمین داور) سرزمین نهایی جنوبی زابلستان یافته اند و مستر مارتن نیز عقیده دارد که معبد سوناگیر هیون تسنگ همان پرستشگاه هست که در زمین داور واقع بود(۷).

در مؤرخان دوره اسلامی نخستین بار احمد بن یحیی بلاذری (متوفی ۲۸۹ هـ) در فصل فتوحات سیستان و کابل چنین گوید:

"در سنه ۳۰ عبدالله بن عامر به کرمان آمد وی ربیع بن زیات حارثی را به سیستان فرستاد و او به وادی هلمند آمد و با پرویز مرزبان زرنج صلح کرد و زمان حاکمی ربیع دونیم سال بود که بعد از عبدالرحمن بن سمره بر زرن والی شد، وی بر نواحی رنج و بلاد داور نیز چیره آمد و مردم داور را در جبل زور (زون) حصار داد و با آنها صلح نمود. درین پیکارها از جمله هشت هزار لشکریان ابن سمره چهار هزار تلف شدند و بت زور را بدست آورد که از طلای ناب بود و چشمان یاقوتی داشت وی دستهای آنرا برید و یاقوت ها را بیرون کشید و به مرزبان آنجا داد و گفت: مراد من این بود تا بدانی که بت سود و زیانی را رسانیده نمی تواند(۸)".

این واقعه را ابن اثیر در حوادث سال ۳۱ هـ بهمین نحو از البلاذری نقل کرده که ضبط نسخه های فتوح البلدان (الزور) است ولی در نسخه مطبوع ابن اثیر (مطبعة از هریه قاهره ۱۳۰۱ ق) الزور و بلد الداو طبع شده(۹) و ظاهر است که این نامها از طرف کاتبان نسخها مسخ گردیده و در ضبط آن تصحیف بعمل آمده است. بدانکه مؤرخان و جغرافیانگاران اسلامی را در ضبط این نام تشویش است که آنرا بدو صورت ضبط کرده اند: مثلاً یاقوت حموی از قول ابو زید احمد بن سهل بلخی متوفی ۳۲۲ هـ و اصطخری (حدود ۳۴۰ هـ) ذکری را از معبد زمین داور عیناً مانند البلاذری می آورد و نام بت را بدو شکل زور - زون ضبط میکنند(۱۰) که لی سترنج این معبد معروف را نزدیک شهر تل زمینداور شمرده اند(۱۱). اکنون هم بهمین نام موجود است. چنین به نظر می آید که از زمان قدیم در نقل این روایت تصحیفی در املاهای اصل کلمه که (زون) بود وارد آمده و آنرا زور یا زوز و غیره نوشته اند و حتی یاقوت نیز هر دو وجه را نقل کرده و گوید: زور بضم اول بتی بود در بلاد داور و زون بضم اول بت و بتکده باشد جریر گفت:

یمشی بهالبقر الموشی اکرعه

مشی الهرابذ تبغی بیعة الزون

روبه راست(۱۳):

وهنانه کالزون یجلی صنمه

از اسناد قدیم تر روشن می آید که کلمه زون یا زور اصطلاح عربی نیست زیرا نویسنده لسان العرب تصریح میکند که الزون بضم زا همان زون فارسی است و قبل از موهوب بن امد جوالیقی (۴۰۵ - ۵۴۰ هـ) الزور و الزون را هر دو بمعنی صنم آورده و گوید: و هما معربان قال حمید: دأب المجوس عکفت للزون و قال آخر:

یمشی بهالبقر الموشی اکرعه

مشی الهرا بذب حجبوا بیعة الزون (۱۴)

پس زون عرب شکل معریست از (سون) که در سوناگیر هیون تسنگ اشاره شده و رب النوع آفتاب است که شکل آن به صورت هیکل نیم تنه باشعله های که از عقب سر اوز بانه کشیده بر برخی از مسکوکات هفتلیان منقوش است که مخالف دین بودایی و گرویده آفتاب پرستی محلی بودند و دکتور جونکربر برخی ازین مسکوکات نامهای بلاد (داور و زابلستان) و غیره را هم خوانده است (۱۵) که از ان رابطه ائین آفتاب پرستی باد اور ثابت می آید و کلمه گیر در سوناگیر هون تسنگ همین غر پنبتو است که در اسمای بلاد این سرزمین ریشه دوانیده مانند غور - غرستان - سپین غر و غیره.

مخفی نماند که در آثال همین کیش آفتاب پرستی معبد بزرگ دیگری در کوتل خیرخانه ۱۲ کیلومتری شمال غرب کابل نیز کشف شده که باستان شناسان آنرا معبد سوریا (رب النوع آفتاب) دانسته و هیکل مرمی سوریا را از آن بر آورده اند که دو تن مصاحب رب النوع نیز بدو طرف وی دیده میشوند و هر سه بر عراده یی سوارند که دو اسپ انرا می کشد و راننده عراده هم باکلاه نمدی نورستانی شلاق درازی در دست دارد (۱۶).

اکنون از روی این کشف معبد سوریا گفته میتوانیم که کلمه (زور) معرب جوالیقی و یاقوت حموی نیز ماخذی کهن دارد و هر دو کلمه زون - زور مربوط به کیش آفتاب پرستی بود (۱۷) که تا ظهور اسلام هم درین سرزمین رواج داشت و هر کلمه را تازیان از همین سرزمین برده و په معنی بت و مجسمه رب النوع آفتاب آنرا در ادب خود به مجوس و هر بذب منسوب داشته اند که تحول این دو کلمه چنین شد:

سونا = سون = زون سوریا = سور = زور

این دو نام در اسمای قبایل و اماکن افغانستان تاکنون دیده میشود سناخیل عشیره ایست از اتمان زیی مندن افغان (۱۸) و نام سناحان در افغانستان مروجست سنارود شعبه یی بود از دریای هلمند در سیستان که روستاهای آنجا را سیراب میکرد و سناباد در یک میلی طوس قریه یی بود مدفن حضرت علی بن موسی رضا (۱۹) ، اما زور در نامه قبیله معروف زوری هرات باقیمانده اند و زور آباد اکنون همان سورآباد مؤرخین است و قبیله سور افغان و سوریاخیل و سوریان غور که منهاج سراج شرح حال آنها را میدهد (۲۰) از مظاهر مختلف این نام قدیم به شمار می آید.

تعیین موقعی معبد زور:

شرح فوق رامن در جلد اول افغانستان بعد از اسلام (طبع کابل ۱۳۴۵ ش) نوشته بودم و بعد ازان به خواش انجمن دوستان و شاگردان پروفیسور یان ریپکا مستشرق معروف چکوسلوواکیا در یادنامه سال هشتم تولد وی (طبع پراگ ۱۹۶۷ م) بزبان انگیسی نشر کردم ولی در آن اوقات در تعیین مقام این معبد متردد بودم اکنون از گفته مردم زمین داور معلوم شد که در سه میلی جنوب موسی کلا (مرکز زمین داور) دینی بنام (دیه زور) تاکنون موجود است که بر دو حصه تقسیم شده و آنرا زور علیا و سفلی گویند.

درین دیه آثار حصار و آبادیهای کهن سال مخروبه نیز دیده میشود و مردم مسلمان کنونی آنرا (کافر کلا) گویند که مسکن کافران قدیم بود و میتوان زور کهن مؤرخان را در اینجا تعیین کرد زیرا نام قدیم (زور) تاکنون بران باقی مانده است.

در الکامل ابن اثیر (طبع بریل ۱۸۶۸ م) نامهای داور - زور بغلط بلدالداول و جبل الزور (؟) طبع شده است که نسخه بدلای جبل الرود - الرور - الرود هم دارد و صحیح آن بلا شک همین بلدالداور و جبل الزون است که

اکنون هم زمین داور دیه زور گویند و مسکن اقوام علی زی پبستون است و این منطقه در ماورای هلمند در جنوب غور افتاده و آثار بلاد قدیم و قلاع کهنه فراوان دارد که بدورهای مختلف تاریخ تعلق میگیرند.

طوریکه در بالا گفتم املائی زون و زور هر دو در کتب تاریخ و ادب مذکور اند و در نظر من هر دو کلمه درست و ما ریشه کلمه زون را در سونه گیر مذکور در سی - یو - کی هیون تسنگ یافته میتوانیم که باید جبل الزون عرب ترجمه سونه x گیر (زون+غر=کوه- زون) باشد.

ریشه این کلمه قدیم آریایی در زبانهای دیگر این خانواده السنه در اروپا نیز بمعنی آفتاب دیده میشود چنانچه در انگلیسی میانه هم سون از ریشه Sunne انگلوساکسون آمده که در جرمنی Sonne بوده و این همه به منبع هند و اروپایی Sn-en-san-en بر میگردد.

اما کلمه سوریا در سنسکریت بمعنی آفتاب یا دانشمند بوده و سوری یا سوریا رب النوع آفتاب یا خود آفتاب را میگفتند که ریشه های آن از رگویدا و اوستا آمده است.

در بهاشای میانه سور بمعن تمثیل رب النوع و بت یا آفتاب آمده که در اساطیر کهن و نامهای اشخاص و اماکن هند ریشه های استواری دارد.

بدین نهج کلمه سور گاهی بمعنی پلهوان هم بوده و در اسوتا بشکل (سوره) مفهوم قوی نیرومند داشته است.

بنا برین ملاحظات اشکال زور - سور - زون و داور از نظر زبان شناسی و تاریخ صحت داشته ولی مسموحات داون و زوز او تصرفات کاتبان نسخ خطی خواهد بود.

ناگفته نماند که در پبستو وادی ارغنداب و هلمند (سونی) بضم اول و واو مجهول و فتحه نون صفت شخصی است که به بت شبیه بوده و قد کوتاهی داشته باشد (۲۱).

مأخذ:

- سی - یو - کی کتاب اول مبحث کیا - پی - شی.
 Webster's New World Dictionary. 1957, p. 145
 Sanskrit - English Dictionary 1234 - 1243, Oxford 1964
 Poure Pavoud'yashts, 165. Tehran, 1968
 سی - یو - کی کتاب اول مبحث کیا - پی شی.
 سی - یو - کی کتاب ۱۲ مبحث اول تسو - کو - چا.
 مجله جمعیت آسیایی بنگال، سلسله ۳ جلد ۲ سال ۱۹۳۶ م مقاله ۳۲۸.
 فتوح البلدان، ۴۸۶.
 الکامل، ۶۳ / ۳.
 معجم البلدان ۲۸ / ۴.
 جغرافیای خلافت شرقی، ۵۲۱ ترجمه اردو.
 مسالک وممالک اصطخری، ۱۹۲ بیعد.
 مراصد الاطلاع، ۶۷۶ / ۲.
 المعرب من الکلام الاعجمی طبع احمد شاکر، قاهره ۱۳۶۱ ق ص ۱۶۶.
 تاریخ افغانستان ۵۵۷ / ۲ که نویسنده آن سوناگیرا را در سگاوند لوگر جنوب کابل قرار میدهد ولی لوگر

در کابلستان است و در زابل نیست.

آثار عتیقه کوتل خیرخانه تألیف موسیهاکن ترجمه آقای کهزاد طبع کابل، ۱۳۱۶ ش.

کریستن سین گوید: کاسی ها که در قرن ۱۸ ق م بابل را به تصرف آوردند پرستنده سوریه بودند و او رب النوع آریایی خورشید و در اوستا هور بود که بعدها در قرن ۱۴ ق م در آثار مکتوب میتانی بصورت میتره دیده میشود و همین میتره در کتاب خانه اسور بانیپال با خدای بابلی شمس دانسته است (مزدا پرستی در ایران قدیم، ص ۳۲ از کریستن سین، ترجمه دکتور صفا، طبع تهران، ۱۳۲۶).

صولت افغانی از محمد زردار خان ناغر، ۳۵۴ طبع کانپور، ۱۸۷۶ م.

مراصد الاطلاع ۲ / ۷۴۲.

رجوع شود به طبقات ناصری و حیات افغانی و در قسمت هشتم مبحث سوریان غور کتاب افغانستان بعد از اسلام.

پنجاه مقاله، ۱۳۶۲ ش کابل، ص ۲۴۰ - ۲۵۰.